

بررسی وضعیت علوم انسانی ایران در رتبه‌بندی‌های جهان

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۹۹۲۳

آبان ماه ۱۳۸۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	سخنان مقام معظم رهبری درباره علوم انسانی
۷	وضعیت موجود علوم انسانی
۲۳	جمع بندی
۲۳	منابع و مأخذ



بررسی وضعیت علوم انسانی ایران در رتبه‌بندی‌های جهان

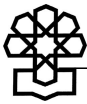
چکیده

دانشگاه‌های ایران با احتساب همه رشته‌ها (اعم از پزشکی، فنی، مهندسی و علوم انسانی)، در هیچ‌یک از رتبه‌بندی‌های دانشگاه‌های جهان در میان ۵۰۰ دانشگاه برتر حضور ندارند و این در حالی است که وضعیت رشته‌های انسانی در دانشگاه‌های ایران به مراتب ضعیف‌تر از رشته‌های فنی - مهندسی و پزشکی است. همچنین مقایسه دوره قبل و پس از انقلاب در حوزه علوم انسانی نشان از پس‌رفت رشته‌های انسانی در دانشگاه‌های کشور دارد، به گونه‌ای که از حیث علوم انسانی، ایران در رتبه آخر کشورهای منطقه خاورمیانه قرار گرفته است. چنین وضعیتی باعث نگرانی مسئولین و دلسوزان نظام شده است و رهبری بارها در این باره هشدار داده‌اند. این گزارش به بررسی وضعیت علوم انسانی در کشور پرداخته است.

مقدمه

انقلاب اسلامی در بستری فرهنگی - مذهبی پدید آمد و هدف آن، ضمن تحقق اهداف مادی و رفاهی، فراهم ساختن بسترها و زمینه‌های تحقق ارزش‌های اخلاقی و متعالی انسانی بوده است. تحقق گفتمان «انقلاب اسلامی»، همراه با نفی گفتمان‌های حاکم بر شرق و غرب، غایت مطلوب نظام جمهوری اسلامی بوده است. این گفتمان جدید با نفی مبانی و ساختار نظام گذشته، طرحی نو برای حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پدید آورد.

توفیق انقلاب اسلامی در جامعه به میزان تحقق گفتمان انقلاب اسلامی بستگی دارد و تحقق گفتمان انقلاب نیز بدون شک مستلزم نظریه‌پردازی و ایجاد تحولات کیفی در این عرصه است. در نگاه نخست، حوزه‌های علوم انسانی متولی اصلی نظریه‌پردازی در چارچوب گفتمان انقلاب در کشور هستند. از همین رو علوم انسانی در زمره علوم بنیادی برای پیشرفت و شکوفایی جامعه به‌شمار می‌آیند که بسیاری از حوزه‌های اجتماعی، دینی، امنیتی، علمی و اقتصادی به آن وابسته‌اند. پس از انقلاب، وقوع جنگ تحمیلی و ایجاد بحران‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از آن، باعث عدم برنامه‌ریزی، حاشیه‌انگاری، سهل‌انگاری و بی‌توجهی به علوم انسانی در میان مسئولین امر شد، در نتیجه در همان حال که کیفیت آموزش و پژوهش در حوزه علوم انسانی ضعیف‌تر می‌شد،



تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در این رشته افزایش یافت. تداوم این وضعیت باعث هشدار بسیاری از دلسوزان کشور و علاقمندان انقلاب به خصوص رهبری درباره وضعیت علوم انسانی و پیامدهای ناشی از آن شد.

در شرایط کنونی مهمترین سؤال درباره علوم انسانی، وضعیت موجود آن در جامعه است، چرا که پیشرفت و توسعه جامعه منوط به بالندگی علوم انسانی است. شکوفایی این علوم از یکسو مستلزم شناخت واقع‌بینانه وضعیت موجود آن در کشور است تا مبنایی برای ارزیابی امکان تحقق گفتمان انقلاب و به تبع آن اهداف پیش‌بینی شده در سند چشم‌انداز فراهم آید و از سوی دیگر زمینه‌ای برای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فراهم شود، چرا که «برنامه‌ریزی» مستلزم دستیابی به اطلاعات و آمارهای صحیح، دقیق و قابل اعتماد از وضع موجود است. در غیر این صورت، هر کوششی برای تهیه، تنظیم، تدوین، اجرا، کنترل و ارزیابی یک برنامه و قانون با شکست مواجه می‌شود. این گزارش کوششی است برای شناخت وضعیت موجود علوم انسانی در ایران.

سخنان مقام معظم رهبری درباره علوم انسانی^۱

• ریشه‌های تاریخی

«علت غربت علوم انسانی در دانشگاه‌های ما این است که زمانی که علوم انسانی وارد کشور شد، مجموعه‌های فکری و علمی معتقد به اسلام، با این علوم به شکل «علم» آشنایی نداشتند؛ البته غیر از فلسفه و تاریخ و ادبیات و... که بومی کشور ما بود، رشته‌های متعددی از علوم انسانی مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و بسیاری از رشته‌های دیگر پدیده‌های جدیدی برای کشور ما بود. کسانی هم که متصدی و مباشر این کارها بودند، غالباً کسانی نبودند که اعتقاد به مبانی اسلامی داشته باشند. غربی‌ها روی این مسائل کار کرده بودند؛ کارهای مدون و علمی ارائه کردند و کسانی که در داخل بودند، حاضرند سهل‌گرایی و آسان‌پذیری، همت و تلاش نکردند تا این علوم را برپایه مبانی بومی - حتی اگر اسلامی هم نبود، لاقلاً بر مبنای تفکرات و فرهنگ ایرانی باشد - بنا کنند. با سهل‌گرایی علوم انسانی را گرفتند و ترجمه کردند، که تا امروز ادامه پیدا کرده است».

• وضعیت نگران‌کننده

«از بین این مجموعه عظیم دانشجویی کشور که حدود سه میلیون و نیم دانشجوی دولتی و آزاد و پیام نور و سایر دانشگاه‌های کشور است، حدود دو میلیون دانشجویان علوم انسانی‌اند! این وضعیت انسان را نگران می‌کند. ما در زمینه علوم انسانی چقدر کار بومی یا تحقیقات اسلامی چقدر

۱. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۶/۸.



داریم؟ چقدر کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی داریم؟ مگر چقدر استاد مبرزی که معتقد به جهان بینی اسلامی باشد و بخواهد جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا مدیریت یا غیره درس بدهد، داریم، که این همه دانشجوی برای این رشته‌ها می‌گیریم؟ این نگران‌کننده است.»

• مبانی علوم انسانی غربی

«بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادیگری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، درواقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزش‌های خودمان را در قالب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم؛ این وضعیت خیلی مطلوبی نیست. این از جمله مسائلی است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد؛ هم در مجموعه‌های دولتی مثل وزارت علوم، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی، هم در هر مرکز تصمیم‌گیری که در اینجا وجود دارد؛ اعم از خود دانشگاه‌ها و بیرون دانشگاه‌ها.»

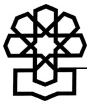
• تئوری‌های وارداتی و زمینه‌سازی برای تداوم روابط استعماری

«من می‌خواهم محیط دانشگاه و جوان دانشجوی خودمان را توجه بدهم که مواظب تئوری‌های وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکم‌آمیز غرب با کشورهای از قبیل کشور ما را ندارد، باشند. البته تحت نام‌های مختلف، بسیار حرف‌ها زده می‌شود؛ اما هدف یک چیز بیشتر نیست. این انقلاب و این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریته تحکم‌آمیز غربی را در این کشور شکسته است. امروز در کشور ما ارزش‌های غربی به‌صورت قانونی و رایج وجود ندارد. امروز دادن منافع به بیگانگان، در کشور ما یک امر مذموم محسوب می‌شود.»

امروز سفره‌ای را که با هزاران طمع در این کشور پهن کرده بودند - به‌خصوص آمریکایی‌ها - جمع شده می‌بینند. این برای مراکز قدرت و تسلط جهانی، خسارت کمی نیست. برای برگرداندن اوضاع به‌صورت قبلی چه کار کنند؟ اوایل انقلاب ناشیانه آمدند و جنگ روبرو راه انداختند؛ ولی وقتی بینی‌شان به خاک مالیده شد، فهمیدند راهش این نیست. لذا به جنگ فرهنگی متوسل شدند. جنگ فرهنگی کار آسانی نیست؛ کار زبندگان است. لذا زبندگان می‌نشینند فکر می‌کنند و نسخه می‌نویسند و متأسفانه عده‌ای هم در داخل همان‌ها را تکرار می‌کنند! آنها حرف‌هایی را می‌زنند، عده‌ای هم فارسی آن را می‌گویند و شکل بومی به آن حرف‌ها می‌دهند! باید مراقب این مسائل بود.»

• منطقه ممنوعه علوم انسانی

«امروز غربی‌ها یک منطقه ممنوعه‌ای در زمینه علوم انسانی به‌وجود آورده‌اند؛ در همه بخش‌های



مختلف؛ از اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تا تاریخ و ادبیات و هنر و حتی فلسفه و فلسفه دین. یک عده آدم ضعیف‌النفس هم دلباخته اینها شده‌اند و به ذهن اینها نگاه می‌کنند که ببینند چه می‌گویند؛ هر چه آنها گفته‌اند، برایشان می‌شود وحی منزل؛ این است که بد و غلط است. مثلاً چند تا فکر دارای اقتدار علمی، در یک نقطه دنیا به یک نتیجه‌ای رسیده‌اند، این معنایش این نیست که هر آنچه که آنها فهمیده‌اند، درست است!».

● ضرورت توجه به مبانی بومی و دینی

«شما به مبانی خودمان نگاه کنید؛ ما تاریخ، فلسفه، فلسفه دین، هنر و ادبیات و بسیاری از علوم انسانی دیگری که سایرین حتی آنها را ساخته‌اند و به‌صورت یک علم در آورده‌اند - یعنی یک بنای علمی به آن داده‌اند - مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد. باید یک بنای این‌چنینی و مستقل بسازیم».

● وضعیت اساتید علوم انسانی

«اساتیدی هستند که فرآورده‌های اندیشه‌های غربی در علوم انسانی، می‌گویند بت آنهاست. می‌گویند در مقابل خدا سجده نکنید؛ اما در مقابل بت‌ها به‌راحتی سجده می‌کنند؛ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان‌طوری که متناسب با آن بت خود او است، می‌سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این‌طور افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هرچه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضر است. امروز خوشبختانه ما دانشمندان جوان مؤمن و تحصیل‌کرده‌های باایمان داریم که می‌توانند یک حرکت علمی فراگیر و به معنای واقعی کلمه، در عرصه علوم انسانی به‌وجود آورند؛ از اینها باید استفاده بشود».

● رجوع به ترجمه

«پیشرفت تقلیدی، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه‌گرایی در دانشگاه؛ که هرچه که آن طرف مرزها، مرزهای غربی و کشورهای اروپایی، گفته‌اند، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسی حرف زد، بگویند مخالف علم حرف می‌زند؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمی‌دانیم. نه اینکه ترجمه را رد کنیم؛ من این را بارها در مجامع دانشگاهی گفته‌ام؛ نخیر، ترجمه هم خیلی خوب است؛ یاد گرفتن از دیگران خوب است؛ اما ترجمه کنیم تا بتوانیم خودمان به‌وجود آوریم. حرف دیگران را بفهمیم تا حرف نو به ذهن خود ما برسد؛ نه اینکه همیشه پای حرف کهنه دیگران بمانیم. پنجاه - شصت سال پیش فلان نویسنده یا فیلسوف یا شبه فیلسوف فرهنگی حرفی را در زمینه مسائل اجتماعی گفته است، حالا کسی بیاید در دانشگاه، ذهنش را با غرور پر کند و همان را دوباره به‌عنوان حرف نو برای دانشجو بیان کند! این پیشرفت نیست؛ پسرفت است. زبان



ملی را مغشوش کردن، هویت اسلامی ملی را سلب کردن و مدل‌بازی به جای مدل‌سازی، پیشرفت نیست. ما وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمی‌دانیم».

● اهمیت علوم انسانی

«ما باید هم در حوزه فرهنگ عمومی و برداشت و اعتقاد و باور عمومی مردم، هم در مورد خاص باور مسئولان، اهمیت علوم انسانی را روشن کنیم. مردم باید بفهمند علوم انسانی مهم است، تاریخ مهم است، ادبیات مهم است، فلسفه مهم است، روان‌شناسی مهم است. با وضع حاکم بر ذهنیت جامعه دانشگاهی ما و فرهنگ عمومی مردم، طبیعی است که جوانان و دانشجویان بروند سراغ همان چیزهایی که کاربرد روزانه دارد؛ پزشکی و مهندسی و رشته‌های علمی و فنی که در سال‌های اخیر به وجود آمده و غالباً قادر به تبدیل شدن به پول و گذراندن زندگی هم هست. این نکته روشنی است. باید اهمیت علوم انسانی را بفهمند و باید امتیازاتی در فراگیری علوم انسانی و تخصص در علوم انسانی در نظر گرفته بشود، که برای عموم و برای جوان‌های ما جذاب باشد. مسئولان ما نیز باید به اهمیت علوم انسانی توجه کنند».

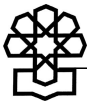
● علوم انسانی، جهت‌دهنده و فکرساز

«علوم انسانی برای جامعه جهت‌دهنده است؛ فکرساز است؛ حرکت، مسیر و مقصد یک جامعه را مشخص می‌کند. این امر، خیلی مهم است. انسان از روی حدس می‌تواند بداند و یقین کند که دست‌های فعال در سیاست‌های بین‌المللی روی این مسئله کار کرده‌اند که کشورها را به همین خرج روزانه سرگرم کنند، تا آنها را از کارهای سیاسی و از آن چیزهایی که می‌تواند جهت آنها را مشخص کند و فرهنگ مستقل آنها را بارور کند، روی‌گردان کنند».

ضرورت و اهمیت علوم انسانی

در گذشته ایران یکی از مهمترین، پیشرفته‌ترین و معتبرترین مراکز تولید علم در دوره اوج تمدن اسلامی بوده است. این مسئله، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. زیرا، بسیاری از مراکز علمی معتبر جهانی، در ایران قرار داشته‌اند و اندیشمندان، فلاسفه، حکما و نظریه‌پردازان بسیاری در حوزه‌های مختلف علوم بشری، به‌ویژه در علوم اجتماعی و انسانی از بین ایرانیان برخاسته‌اند.

در آن دوره، علوم انسانی به‌عنوان زیربنای تمامی علوم تجربی و فنی مورد توجه قرار داشت و براین اساس اکثر نوابغ در علوم ریاضی، تجربی و فنی نیز به یادگیری اصول علوم انسانی می‌پرداختند. در واقع علوم و پیشرفت‌های علمی در آن دوره مجموعه یکپارچه و واحدی نبود و



تقسیم‌بندی‌های کنونی در حوزه آموزش و پژوهش، در آن زمان متداول نبوده است؛ علوم انسانی، اصلی بنیادین در شناخت انسان و مقدمه‌ای برای فهم نیازهای بشری تلقی می‌شده است. بنابراین علوم انسانی مهارتی ادراکی و نرم‌افزاری، به‌منظور تحقق امور تجربی و فنی برای سعادت بشری به حساب می‌آمده است.

از آنجایی‌که علوم انسانی، رویکردهای اساسی و پایه‌ای را فراهم می‌کند تا افراد برمبنای آن بیاندیشند، رفتار و زندگی کنند، در حیات جوامع بشری نقش محوری دارد. علوم انسانی در هر فرهنگ و تمدن، ارائه‌کننده توجیهات لازم برای معنابخشی به زندگی و تعیین هدف‌های مشروع برای افراد و بیان‌کننده راه‌های لازم برای رسیدن به هدف‌های مربوطه است.

نگرش تاریخی به علوم انسانی در ایران

بعد از شکست‌های متعدد حکومت در حوزه نظامی در دوره قاجار و همچنین آشنایی ایرانیان با غرب، نخبگان ایرانی درصدد تأسیس مراکز آموزشی جدید برآمدند. امیرکبیر اولین مدرسه آموزش عالی نوین را به نام دارالفنون تأسیس و اساتیدی را از اروپا برای تدریس در این مدرسه دعوت کرد. اساتید دعوت شده عمدتاً مربوط به رشته‌های صنعتی و نظامی بودند.

نگرش امیرکبیر به جهان جدید و دانش نوین بیان‌کننده نگرش نخبگان ایرانی به مقولات مربوطه است. این نگرش تا سال‌ها بعد و حتی اکنون نیز ادامه دارد. به نظر امیرکبیر اشکال اساسی در جامعه ایرانی فقدان رشته‌های صنایع و نظامی بوده است که به همین دلیل او از متخصصان مربوطه دعوت کرد و در نتیجه به‌نظر می‌رسد وی ایران را از نظر علوم انسانی (فلسفه، الهیات، هنر و...) مکفی می‌دانست که به این رشته‌ها توجهی ننمود. شگفتی این موضوع هنگامی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم: در قرن ۱۹ در اروپا (و در آمریکا تا اواسط قرن بیستم) رشته‌های فنی عموماً در دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شدند و ارائه دانش جدید در این کشورها به‌طور عمده به تدریس علوم انسانی، حقوق، الهیات و برخی علوم دقیقه نظری (ریاضیات، فیزیک و...) اختصاص داشت.

رویکرد امیرکبیر بیانگر آن است که او بنیان و اساس پیشرفت را واردات فناوری می‌دانست که درصدد انتقال آن به ایران برآمد. این رویکرد در دوره‌های بعدی نیز ادامه داشت و در دوره کنونی نیز رویکرد غالب است.

این درحالی است که بنیان آکادمیک دانشگاه‌های مهم آمریکا نه دانشکده‌های فنی و حتی رشته‌های کاربردی مبتنی بر تکنولوژی، بلکه دانشکده‌های علوم انسانی و رشته‌ها و دانش‌هایی است که دانشجویان جوان آمریکایی را آماده شرکت فعال در نهادهای جامعه مدنی و زندگی اجتماعی می‌سازد، در حالی که در ایران هنوز بهترین دانش‌آموزان، تلاش خود را صرف رفتن به رشته‌های



پزشکی و فنی می‌کنند و دانش‌آموزانی که از توانمندی کمتر و ضریب هوشی پایینی برخوردارند، به رشته‌های علوم انسانی روی می‌آورند.

همان‌طور که گفته شد علوم انسانی در رشد و شکوفایی یک جامعه نقش محوری دارد. از همین رو یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی را میزان سرمایه‌گذاری در پژوهش و آموزش حوزه علوم انسانی می‌دانند. هرچند در ظاهر امر این‌گونه به نظر می‌رسد که تحقیقات در زمینه‌های صنعت و تکنولوژی و علوم پایه است که به‌طور مستقیم نتایج خود را در توسعه اقتصادی و صنعتی نشان می‌دهد، اما تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان داده است که حتی اگر بودجه و امکانات کافی در جهت تحقیق و توسعه علوم پایه و فنی در نظر گرفته شود، بدون تمهیدات ساختاری در عرصه‌های اجتماعی و انسانی و اتخاذ راهکارهای مناسب سیاسی، حقوقی و اخلاقی، این امکانات نمی‌توانند بازدهی و بهره‌وری مورد انتظار را در توسعه پایدار و همه‌جانبه در پی داشته باشند.

وضعیت موجود علوم انسانی

الف) رتبه دانشگاه‌ها

• ارزیابی دانشگاه‌های ایران در مقایسه با دانشگاه‌های جهان

از میان نظام‌های ارزیابی رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان، سه نظام رتبه‌بندی دارای اعتبار جهانی است که دانشگاه‌های سراسر دنیا را، در تمامی رشته‌ها که شامل علوم انسانی نیز می‌شود، رتبه‌بندی می‌کنند. از آنجایی که کیفیت و جایگاه علوم فنی - مهندسی و پزشکی در کشور نسبت به علوم انسانی بالاتر است، ترسیم رتبه دانشگاه‌های کشور (با در نظر گرفتن همه رشته‌ها) نسبت به دیگر کشورها، نشان‌دهنده وضعیت علوم انسانی خواهد بود. در این گزارش این سه نظام رتبه‌بندی مبنای ارزیابی قرار گرفته‌اند که مورد قبول و استناد وزارت علوم نیز است.

۱. رتبه‌بندی تایمز^۱

یک مؤسسه انگلیسی که مطالب مختص آموزش عالی را گزارش می‌دهد و با همکاری مؤسسه سایمند^۲ مجله‌ای را با عنوان «رتبه‌بندی تایمز» به‌صورت فصلنامه به چاپ می‌رساند که در آن ۵۰۰ دانشگاه برتر از سراسر جهان رتبه‌بندی می‌شوند. در این رتبه‌بندی کشورهای غیرآمریکایی بیشتری نسبت به رتبه‌بندی‌های دیگر وجود دارد.

رتبه‌بندی تایمز معتبرترین منبع اطلاعاتی درباره دوره‌های تحصیلات تکمیلی در انگلیس است.

این منبع اطلاعاتی در سال ۱۹۷۱ میلادی پایه‌گذاری شد و از سال ۱۹۹۵ میلادی اطلاعات خود را

1. The Times Higher Education-QS World

2. Symonds Quacquarelli



در اختیار کاربران قرار داده است. در رتبه‌بندی سال ۲۰۰۷ میلادی تایمز، معیارهای رتبه‌بندی دانشگاه‌ها عبارتند از: امتیاز نسبی بازنگاری دقیق، امتیاز نسبی دانش دانشجویان، امتیاز نسبی نخبگی دانشگاه و امتیاز نسبی نخبگی دانشجویان.

الف) امتیاز نسبی بازنگاری دقیق:^۱ در این معیار، دانشگاه از ابعاد گوناگون زمینه فعالیت، رشته‌های موجود، حامیان اشتغال دانش‌آموختگان و نگرش آحاد جامعه در مورد دانشگاه‌های برتر مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد.

ب) امتیاز نسبی دانش دانشجویان: از آنجا که مهمترین فعالیت هر دانشگاهی آموزش و پژوهش است، این معیار برای ارزیابی این فعالیت‌ها در نظر گرفته شده است. در این معیار ابتدا به بررسی تعداد دانشجویان تمام‌وقت دانشگاه و دانش‌آموختگان آن پرداخته می‌شود، سپس با مدنظر قراردادن دانش‌آموختگان جذب شده در بازار کار، کیفیت آموزش و پژوهش دانشگاه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

ج) امتیاز نسبی نخبگی دانشگاه: این امتیاز براساس تعداد مقالات چاپ شده دانشگاه و همچنین تعداد ارجاع به آنها تعیین می‌شود. اطلاعات و آمارهای لازم در این زمینه از پایگاه اسکاپوس^۲ براساس سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۷ استخراج شده است.

د) امتیاز نسبی نخبگی دانشجویان: از آنجا که اغلب مقالات چاپ شده در مجلات معتبر به زبان انگلیسی است و بعضی از دانشگاه‌های برتر از آسیا یا اروپا، غیرانگلیسی زبان هستند، با این معیار، مقالات به دیگر زبان‌ها نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. درعین حال، این معیار تعداد دانشجویانی را که قادر به ارائه مقالات در مجلات معتبر بوده‌اند، نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۲. رتبه‌بندی مؤسسه آموزش عالی شانگهای^۳

رتبه‌بندی دیگری که بیشتر مورد توجه عموم قرار گرفته است، توسط دانشگاه شانگهای^۴ منتشر می‌شود. این رتبه‌بندی یک پروژه بزرگ در کشور چین است که به‌منظور دستیابی به رتبه‌بندی مستقل دانشگاه‌های سراسر جهان به‌منظور ارزیابی بین دانشگاه‌های کشور چین و دانشگاه‌های برتر جهان اجرا شده است. نتایج این سیستم اغلب توسط مجله اکونومیست مورد استناد قرار می‌گیرد. مؤسسه آموزش عالی وابسته به دانشگاه شانگهای جیاوتونگ از سال ۲۰۰۳ میلادی به رتبه‌بندی دانشگاه‌های برتر جهان اقدام کرده است.

این مؤسسه، دانشگاه‌ها را براساس شاخص‌های متعددی مبتنی بر عملکرد پژوهشی و

۱. برابر نهادهای این بخش عیناً از مرکز سیاست‌های علمی کشور گرفته شده است.

2. Scopus

3. Academic Ranking of World Universities

4. Shanghai Jiao Tong University



آموزشی رتبه‌بندی می‌کند که از آن میان می‌توان به تعداد دانش‌آموختگان، دانشجویان و هیئت علمی دانشگاه که برنده جایزه نوبل یا نشان‌های معتبر علمی شده‌اند، محققان با میزان ارجاع زیاد، مقالات چاپ شده در مجلات «نیچر و ساینس»^۱ مقالات نمایه شده در سیاه‌های اصلی علم و عملکرد سرانه پژوهشی اشاره کرد. در هر شاخص، به مؤسسه علمی با بالاترین امتیاز، عدد ۱۰۰ تعلق می‌یابد و امتیاز دیگر مؤسسات برحسب درصدی از بالاترین امتیاز محاسبه می‌شود.

تشریح شاخص‌های رتبه‌بندی شانگهای

الف) دانش‌آموختگان

منظور از این شاخص، تعداد دانش‌آموختگان مؤسسه است که موفق به دریافت جایزه نوبل و نشان‌های مهم علمی شده‌اند. در این رتبه‌بندی، وزن‌های متفاوتی برای دوره‌های زمانی، دریافت مدارک اختصاص می‌یابد: وزن ۱۰۰ به دانش‌آموختگانی که مدارک خود را از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ میلادی اخذ کرده‌اند، اختصاص یافته است و به همین ترتیب برای سال‌های پایین‌تر ادامه می‌یابد.

ب) جایزه

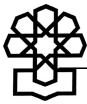
منظور از این شاخص تعداد اعضای هیئت علمی مؤسسه است که موفق به دریافت جایزه نوبل در زمینه‌های پزشکی، شیمی، فیزیک، اقتصاد و یا نشان‌های علمی در ریاضیات شده‌اند. در اینجا نیز وزن‌های متفاوتی برای دوره‌های زمانی دریافت جوایز در نظر گرفته می‌شود: وزن ۱۰۰ برای برندگان که جوایز خود را پس از سال ۲۰۰۱ میلادی دریافت کرده‌اند، وزن ۹۰ برای سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ میلادی، وزن ۸۰ برای سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۰ میلادی و این وزن به همین ترتیب کاهش می‌یابد تا در نهایت وزن ۱۰ برای برندگان سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۲۰ میلادی در نظر گرفته می‌شود. اگر برنده‌ای از سوی بیش از یک مؤسسه تحت حمایت قرار گرفته باشد، به هر مؤسسه به نسبت تعداد پشتیبانان در آن جایزه، امتیاز تعلق می‌گیرد. برای جوایز نوبل نیز اگر جایزه‌ای به بیش از یک نفر برسد، امتیاز آن بین هریک از برندگان به نسبت سهم آنها در جایزه تقسیم می‌شود.

ج) Hici

این شاخص بیان‌کننده تعداد پژوهشگران با میزان ارجاع زیاد در گروه‌های مختلف علمی مشتمل بر علوم زیستی، پزشکی، علوم طبیعی، مهندسی و علوم اجتماعی است.

د) N & S

تعداد مقالات چاپ شده در مجلات نیچر و ساینس در فاصله زمانی سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ میلادی با



این شاخص سنجیده می‌شود. برای تعیین میزان مشارکت نویسندگان، وزن ۱۰۰ برای کل مشارکت در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که مقاله‌ای دارای دو نویسنده و میزان مشارکت نویسنده دوم همانند نویسنده اول باشد، به هریک ۵۰ درصد امتیاز اختصاص می‌یابد. بنابر میزان مشارکت دیگر نویسندگان مقاله، امتیاز ۲۵ تا ۱۰ برای هریک از آنان لحاظ می‌شود.

ه) SCI

این شاخص بیان‌کننده تعداد کل مقالات نمایه شده در پایگاه‌های SCIE و SSCI در سال قبل است. شایان ذکر اینکه برای محاسبه این شاخص تنها انتشار مقالات در مجلات نمایه شده در این پایگاه‌ها مورد استناد قرار می‌گیرد. ضمن اینکه وزن مقاله‌های نمایه شده در SSCI با ضریب دو در نظر گرفته می‌شود.

و) ابعاد

این شاخص بیان‌کننده نسبت مجموع پنج شاخص اخیر بر تعداد کل اعضای هیئت علمی تمام‌وقت مؤسسه است. بدین ترتیب این شاخص میزان عملکرد آموزشی مؤسسه با توجه به اندازه آن (یعنی تعداد کل اعضای هیئت علمی آن) را بیان می‌کند.

۳. رتبه‌بندی وب‌سنجی^۱

رتبه‌بندی دانشگاه‌ها روی وب، ایده آزمایشگاه رایسانجی^۲ در سال ۲۰۰۴ میلادی در اسپانیا بوده است. این آزمایشگاه جزء گروه تحقیقاتی مرکز مستندسازی اطلاعات است که خود بخشی از شورای ملی پژوهش‌ها، بزرگ‌ترین مجموعه تحقیقاتی در اسپانیا است. این گروه معتقد است وبگاه‌های اینترنتی توانایی بهتری را برای انعکاس فعالیت‌ها و برون‌دادهای هیئت علمی و پژوهشگران دانشگاه‌ها دارند. در واقع وب نه تنها می‌تواند امکان ارائه ارتباطات علمی همچون مجلات الکترونیکی و داده‌های علمی را فراهم کند، بلکه می‌تواند ارتباطات علمی غیررسمی را نیز منعکس سازد.

انتشار اطلاعات بر وب همراه با سرعت بیشتر، فرایندهای بازبینی دقیق را ساده و ارزان‌تر می‌کند. همچنین می‌توان مخاطبان وسیع‌تری را پوشش داد و با تأکید بر «دسترسی آزاد»، اطلاعات این شیوه می‌تواند امکان دسترسی محققان و مؤسسات کشورهای در حال توسعه را به دانش علمی میسر سازد. همچنین در نحوه رتبه‌بندی، سعی بر آن است که محققان و مؤسسات تشویق شوند تا محتوای علمی بیشتر و بهتری را بر وب منتشر سازند.

رتبه‌بندی وب‌سنجی دانشگاه‌های جهان به‌طور رسمی از سال ۲۰۰۴ میلادی آغاز شد و

1. Webometrics
2. Cybernetics Lab



هم‌اکنون هر شش ماه یک‌بار در ماه‌های ژانویه و ژوئیه اطلاعات مربوط به ۱۱۰۰۰ دانشگاه و مرکز پژوهشی تحلیل و دسته‌بندی و یک ماه پس از آن منتشر می‌شوند. البته شاخص‌هایی که بدین‌منظور مورد استفاده قرار می‌گیرند، مبتنی بر شاخص‌های اندازه‌گیری ارجاع‌دهی و اندازه‌گیری علمی رایج بوده و با آنها همبسته است.

رتبه‌بندی وب‌سنجی به سنجش «حجم»، «مشاهده‌پذیری» و «اثربخشی» صفحات منتشر شده دانشگاه‌ها روی وب می‌پردازد و بدین‌منظور بر برودادهای علمی (همچون مقالات منتشر شده، سهم پژوهشی در کنفرانس‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های علمی) در کنار دیگر مواد همچون محتوای دروس، سخنرانی‌ها، مستندات کارگاه‌های آموزشی، کتابخانه‌های دیجیتالی، پایگاه‌های اطلاعاتی، صفحات شخصی و همچنین اطلاعات عمومی درباره مؤسسه، گروه‌های آموزشی و پژوهشی مؤسسه تأکید می‌کند.

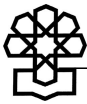
روش تحلیل وب‌سنجی، بازبینی دقیق دامنه اینترنتی مؤسسه است. بدین ترتیب فقط دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با دامنه مستقل وب تحت بررسی قرار می‌گیرند. چنانچه مؤسسه‌ای بیش از یک دامنه اینترنتی داشته باشد، هر دامنه به‌طور جداگانه ارزیابی می‌شود. دستیابی به اطلاعات وبگاه مؤسسه عمدتاً از طریق جویش‌گرهای اینترنتی صورت می‌پذیرد.

این رتبه‌بندی توسط رایاسنجی زیرشاخه انجمن ملی تحقیق که مؤسسه اصلی تحقیق در اسپانیا است، صورت می‌گیرد. این رتبه‌بندی اطلاعات بیش از ۴۰۰۰ دانشگاه را براساس میزان حضور در شبکه وب نشان می‌دهد. بانک اطلاعات این رتبه‌بندی نیز شامل ۱۵۰۰۰ دانشگاه و ۵۰۰۰ مرکز تحقیقاتی است. البته ۴۰۰۰ دانشگاه برتر در رتبه‌بندی اصلی نمایش داده می‌شود، اما بقیه دانشگاه‌ها در بخش‌های منطقه‌ای پوشش داده شده‌اند.

این رتبه‌بندی از سال ۲۰۰۴ آغاز شده و براساس یک شاخص ترکیبی که حجم محتویات وب و میزان پدیداری و تأثیر مطالب منتشر شده (با توجه به میزان مراجعات خارجی) وبسایت را در نظر می‌گیرد. رتبه‌بندی در ژانویه و جولای هر سال به‌روز می‌شود. این روش گستره وسیعی از فعالیت‌های علمی که در وبسایت دانشگاه‌ها انجام می‌گیرد و توسط شاخصه‌های آماری ارزیابی انتشارات^۱ نادیده گرفته می‌شود را منظور می‌کند. شاخص‌های این رتبه‌بندی به‌منظور بررسی میزان به‌کارگیری انتشارات در وب دانشگاه‌هاست.

بررسی قیاسی شیوه‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها

رتبه‌بندی شانگهای سالانه فهرست ۵۰۰ دانشگاه برتر، رتبه‌بندی تایمز سالانه فهرست ۲۰۰



دانشگاه برتر و رتبه‌بندی وب‌سنجی سالیانه دو بار فهرست ۴۰۰۰ دانشگاه برتر جهان را منتشر می‌کنند.

علاوه بر این باید اشاره کرد که در دو رتبه‌بندی شانگهای و وب‌سنجی رتبه منطقه‌ای و قاره‌ای دانشگاه‌ها نیز اعلام می‌شود. دانشگاه شانگهای چین در سال ۲۰۰۳ فهرست ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان در آمریکا، اروپا، آسیا و اقیانوسیه را اعلام کرد. در این فهرست بلند درحالی‌که نام شش دانشگاه از کشورهای ترکیه و رژیم صهیونیستی دیده می‌شود، نامی از هیچ یک از دانشگاه‌های ایران به میان نیامده است، به عبارت دیگر دانشگاه‌های ایران هیچ رتبه‌ای از نظر تولید و اعتبار علمی در مقیاس جهانی نداشته‌اند. همان‌طور که گفته شد «گزارش دانشگاه شانگهای چین نتیجه دو سال کار مداوم برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات قابل مقایسه از دانشگاه‌های مختلف در سراسر جهان است».

نکته قابل تأمل این است که در سال ۲۰۰۶ تنها نام دانشگاه قاهره با رتبه ۴۰۳ از خاورمیانه در رتبه‌بندی شانگهای قرار دارد و در سال ۲۰۰۷ هیچ دانشگاهی از این منطقه در رتبه‌بندی وجود ندارد. البته شایان ذکر است که دانشگاه هبرو بیت‌المقدس در رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۷ به عنوان چهارمین دانشگاه قاره آسیا (پس از دانشگاه توکیو، دانشگاه کیوتو و دانشگاه ملی استرالیا) در این رتبه‌بندی حضور دارد (در فهرست یکصد دانشگاه برتر آسیا، نام شش دانشگاه از این کشور به چشم می‌آید و این درحالی است که نام هیچ‌یک از دانشگاه‌های کشورهای اسلامی در این فهرست وجود ندارد). در آمار سال‌های قبل رتبه‌های نخست و بیشترین تعداد دانشگاه‌های برتر در آسیا متعلق به کشورهای آسیای جنوب شرقی و چشم‌بادامی‌ها است. وجود ۲۵ دانشگاه از ژاپن، ۱۹ دانشگاه چین، ۷ دانشگاه کره جنوبی، ۳ دانشگاه هند و ۲ دانشگاه سنگاپور در فهرست دانشگاه‌های برتر آسیا حاکی از رشد موزون علم در تمامی سطوح آن در این کشورها است.

دانشگاه‌های عبری اورشلیم، انستیتو علمی ویزمن، تل‌آویو و بن‌گوریون در رژیم صهیونیستی نیز از رتبه‌گذاری چینی‌ها بی‌نصیب نبوده است و رتبه‌های ۹ تا ۱۷ را از بین دانشگاه‌های آسیایی از آن خود کرده‌اند.

رتبه‌بندی تایمز نیز نشان می‌دهد که دویست دانشگاه برتر جهان صرفاً متعلق به ۲۸ کشور جهان و به‌طور عمده کشورهای صنعتی همچون آمریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا و ژاپن هستند و تنها در سال ۲۰۰۶ میلادی نام دانشگاه کی‌بانگ‌سان مالزی و دانشگاه مالایا به‌ترتیب با رتبه ۱۸۵ و ۱۹۲ در این فهرست وجود دارد و در سال ۲۰۰۷ این دو دانشگاه نیز در این فهرست جایی نداشته‌اند و این در شرایطی است که در رتبه‌بندی سال ۲۰۰۷ تایمز، دو دانشگاه از رژیم صهیونیستی در این سیاهه حضور داشت.

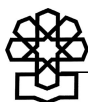


همچنین نتایج رتبه‌بندی وب‌سنجی نشان می‌دهد که حدود پنجاه درصد از پانصد دانشگاه برتر جهان متعلق به دو کشور آمریکا و کانادا هستند و فقط چهار درصد از پانصد دانشگاه برتر (یعنی بیست دانشگاه) متعلق به قاره آسیاست. شایان ذکر است که در فهرست پانصد دانشگاه برتر براساس این رتبه‌بندی چهار دانشگاه از رژیم صهیونیستی، دو دانشگاه از امارات متحده عربی، یک دانشگاه از کویت و یک دانشگاه از عمان به‌چشم می‌خورد و این درحالی است که ایران در این طبقه‌بندی از کشورهای منطقه عقب مانده است.

۴. رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان اسلام

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال‌های اخیر تلاش کرده است که معیارها و فرآیندهای رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان اسلام را تهیه کند. در این رتبه‌بندی نمای کلی از معیارها و شاخص‌ها و وزن هر یک، ارائه و سپس با جزئیات بیشتری تشریح شده است. برای رتبه‌بندی دانشگاه‌ها از پنج معیار کلی پژوهشی، آموزشی، وجهه بین‌المللی، امکانات و فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی استفاده می‌شود. این معیارها دارای شاخص‌هایی برای خود هستند که هر یک از آنها دارای ارزش و وزن مخصوص به‌خود بوده که در نهایت با محاسبه آنها از اطلاعات خام دریافت شده از دانشگاه‌ها و اعمال وزن‌ها و محاسبه مجموع آنها طبق فرمول‌هایی، وضعیت دانشگاه‌ها از نظر رتبه‌بندی معلوم می‌شود. هر چند تاکنون داده‌های آماری این مجموعه تکمیل نشده است تا بتواند تصویری از وضعیت دانشگاه‌های ایران را نشان داد. اما براساس این مبنای نظری و با توجه به برخی آمارها می‌توان موقعیت ایران را در منطقه و جهان مشخص کرد.

بیشترین وزن در این مبنای نظری به پژوهش اختصاص دارد. از این رو با توجه به آمارهای موجود می‌توان تصویری از وضعیت پژوهشی ایران به‌دست داد. در جدول زیر نمای کلی معیارها و شاخص‌ها ارائه شده است.



وزن	شاخص		معیار
۱۵	کیفیت پژوهشی		پژوهشی (وزن کل: ۵۰)
۱۵	کارایی پژوهشی		
۸	حجم پژوهش		
۵	نرخ رشد کیفیت پژوهشی		
۵	نرخ رشد کارایی پژوهشی		
۲	امتیازها		
۶	اعضای هیئت علمی دارای جایزه		آموزشی (وزن کل: ۳۵)
۳	استاندارد ISI	(Highly cited researchers) اساتید پر استناد	
۵	استاندارد OIC		
۴	نسبت اعضای هیئت علمی دارای مدرک Ph.D. به کل اعضای هیئت علمی		
۳	فارغ‌التحصیلانی که جایزه گرفته‌اند		
۱	استاندارد ISI	فارغ‌التحصیلان پر استناد	
۲	استاندارد OIC		
۳	نسبت اعضای هیئت علمی به دانشجویان		
۲	نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی به کل دانشجویان		
۳	نرخ رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی		
۳	دانشجویان دارای جایزه در المپیادهای بین‌المللی		
۲	نسبت اعضای هیئت علمی بین‌المللی به کل اعضای هیئت علمی		وجه بین‌المللی (وزن کل: ۷)
۱	نسبت دانشجویان بین‌المللی به کل دانشجویان		
۱,۵	نسبت اعضای هیئت علمی دارای مدرک Ph.D. خارجی به کل اعضای هیئت علمی دارای مدرک Ph.D.		
۱,۵	کنفرانس‌های بین‌المللی		
۰,۵	تعداد برنامه‌های کاربردی	همکاری‌های بین‌المللی	
۰,۵	تعداد ذینفع‌ها		
۱	سراجه تعداد عناوین کتاب به‌ازای هر دانشجو		تسهیلات (امکانات) (وزن کل: ۳)
۱	تعداد مجلات / نشریات دوره‌ای (چاپی یا الکترونیکی)		
۱	تعداد مؤسسات / مراکز تحقیقاتی دانشگاه		
۲/۵	درآمد قراردادهای مشاوره‌ها		فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی (وزن کل: ۵)
۱	دوره‌های بازآموزی		
۱	برنامه‌های کارآفرینی و ارتباط با صنعت		
۰/۵	تعداد مراکز رشد و شرکت‌های spin-off		

مأخذ: تحقیق و پژوهش در جهان و جایگاه ایران در آن.

رشد و توسعه علم در جهان سرسام‌آور شده است و انقلاب علمی و فنی آهنگ پیشرفت علوم و فنون و کاربرد آنها، یعنی فرآیند پژوهش و توسعه را سرعت فراوان بخشیده است. پرفسور



عبدالسلام معتقد است: «میزان دانشی که طی ده سال گذشته درباره پژوهش حاصل شده، بیشتر از کل دانشی است که در تمامی تاریخ بشریت در این باره گرد آمده است».

اینکه در پایان قرن بیستم تصویر تحقیق و توسعه در جهان چیست و ایران در این تصویر چه جایگاهی دارد، دو سؤالی است که در این گزارش با بهره‌گیری از آمار ارائه شده در سالنامه آماری ۱۹۹۸ یونسکو و برآورد شاخص‌های معتبر بدان پاسخ داده خواهد شد.

الف) شاخص سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص ملی

یکی از شاخص‌های ارزشمند در ارزیابی تحقیق و توسعه شاخص سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص ملی است. براساس اطلاعات مندرج در سالنامه آماری ۱۹۹۸ میانگین این شاخص در کل جهان ۰/۹۱ درصد برآورد می‌شود و مقدار شاخص در تفکیک برای قاره آفریقا ۰/۳۲ درصد، آمریکا ۰/۵۶ درصد، آسیا ۰/۷۲ درصد، اروپا ۱/۴ درصد و اقیانوسیه ۰/۹۳ درصد برآورد شده است. کشور سوئد با مقدار ۳/۴ درصد بهترین وضعیت و کشور رواندا با مقدار صفر درصد بدترین وضعیت را دارند.

به‌لحاظ این شاخص کشورهای سوئد، ژاپن و کره جنوبی با مقادیر ۳/۴ درصد، ۲/۹ درصد و ۲/۸ درصد به ترتیب رتبه اول تا سوم در سطح جهان را به خود اختصاص داده‌اند.

مقدار ثبت شده برای ایران ۰/۵ درصد است که با فرض درست بودن این مقدار جایگاه ایران در کل جهان رتبه ۷۰ از صد و در تفکیک پنج قاره به قرار زیر برآورد می‌شود:

۱. ایران در مقایسه با قاره آفریقا رتبه ۲۳ از ۱۰۰

۲. ایران در مقایسه با قاره آمریکا رتبه ۵۳ از ۱۰۰

۳. ایران در مقایسه با قاره آسیا رتبه ۶۰ از ۱۰۰

۴. ایران در مقایسه با قاره اروپا رتبه ۸۸ از ۱۰۰

۵. ایران در مقایسه با قاره اقیانوسیه رتبه ۸۰ از ۱۰۰

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایران فقط در مقایسه با قاره آفریقا از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار است؛ لکن در مقایسه با چهار قاره دیگر از وضعیت نامطلوبی برخوردار است.

ب) اعتبارات پژوهش (دولتی و غیردولتی)

دومین شاخص ارزشمند در ارزیابی وضعیت رشد تحقیق و توسعه در کشورها، تحلیل ترکیب منابع اعتبارات پژوهشی است. به عبارتی، به میزان پایین بودن سهم دولت در ترکیب بودجه تحقیق و توسعه در هر کشور می‌توان نقش فعال‌تر بخش خصوصی در عرصه تحقیقات را استنباط کرد.

در حال حاضر میانگین سهم دولت در بودجه تحقیق و توسعه در جهان حدوداً ۵۴ درصد



برآورد می‌شود و مقدار آن در تفکیک پنج قاره آفریقا ۵۴/۳ درصد، آمریکا ۶۸/۲ درصد، آسیا ۵۷/۷ درصد، اروپا ۴۶/۵ و اقیانوسیه ۶۶ درصد برآورد می‌شود.

سه کشور کره جنوبی ۱۵/۹، ایرلند ۲۷/۸ و کانادا ۳۰/۱، رتبه‌های اول تا سوم را دارا هستند و کشور رواندا با مقادیر ۱۰۰، بدترین وضعیت را دارند. مقدار این شاخص برای کشور ایران برابر ۹۰/۶ درصد است که با این حساب، رتبه ۸۲ درصد را در جهان دارد و در تفکیک پنج قاره مراتب زیر را:

۱. در مقایسه با قاره آفریقا رتبه ۸۶ از ۱۰۰
۲. در مقایسه با قاره آمریکا رتبه ۸۰ از ۱۰۰
۳. در مقایسه با قاره آسیا رتبه ۸۵ از ۱۰۰
۴. در مقایسه با قاره اروپا رتبه ۹۹ از ۱۰۰
۵. در مقایسه با قاره اقیانوسیه رتبه ۸۴ از ۱۰۰

ج) منابع انسانی مشغول به‌کار در تحقیق و توسعه

یکی دیگر از شاخص‌های مؤثر در ارزیابی وضعیت تحقیق و توسعه در جهان شاخص تعداد دانشمندان و مهندسان مشغول به‌کار در تحقیق و توسعه در یک میلیون جمعیت است. مقدار این شاخص برای جهان ۱۲۶۹ نفر در یک میلیون برآورد می‌شود و در تفکیک پنج قاره آفریقا ۲۴۰، آمریکا ۷۵۵، آسیا ۹۰۳، اروپا ۲۰۶۳ و اقیانوسیه ۲۴۷۲ نفر در یک میلیون برآورد می‌شود.

سه کشور دنیا که به‌لحاظ این شاخص رتبه اول تا سوم را احراز کرده‌اند عبارتند از:

۱. ژاپن با ۶۳۰۹ نفر در یک میلیون،

۲. ایسلند با ۴۰۰۰ نفر در یک میلیون،

۳. ایالات متحده با ۳۷۳۲ نفر در یک میلیون.

همان‌طور که ملاحظه شد، کشور ژاپن به‌لحاظ این شاخص بهترین وضعیت را در دنیا دارد.

همچنین کشور جامائیکا با ۸ نفر در یک میلیون از بدترین وضعیت برخوردار است.

این شاخص برای ایران ۵۲۱ نفر در یک میلیون نفر ثبت شده که در این صورت در جهان رتبه ۷۲

از ۱۰۰ را دارد و در تفکیک پنج قاره جهان وضعیت ایران به قرار زیر است:

۱. در مقیاس قاره آفریقا رتبه ۱۵ از ۱۰۰
۲. در مقیاس قاره آمریکا رتبه ۵۹ از ۱۰۰
۳. در مقیاس قاره آسیا رتبه ۶۱ از ۱۰۰
۴. در مقیاس قاره اروپا رتبه ۹۵ از ۱۰۰
۵. در مقیاس قاره اقیانوسیه رتبه ۹۹ از ۱۰۰



بررسی تولید مقالات علوم انسانی ایران در سال ۱۹۷۵-۱۹۸۰^۱

برای بررسی وضعیت علمی ایران در رشته‌های مختلف علوم انسانی از داده پایه آی-اس-آی^۲ استفاده شده است. این داده پایه، شامل اطلاعات سندهای علمی منتشر شده طی سال‌های ۱۹۷۵-۲۰۰۲ است. اطلاعاتی که در این بررسی از آن استفاده می‌شود، در اسفند ۱۳۸۱ و فروردین ۱۳۸۲ از آی-اس-آی استخراج شده است. علاوه بر این، برای اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۱ از یکی از محصولات آی-اس-آی به نام شاخص ملی علم^۳ نیز استفاده شده است.

از میان انتشارات علمی ایرانیان در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۸۰ تعداد ۳۷۲ عنوان آی-اس-آی به ثبت رسیده است که تقریباً ۱۸ درصد آن متعلق به رشته علوم انسانی و هنر و ۸۲ درصد بقیه مربوط به علوم اجتماعی است. از این تعداد انتشارات ۲۲۷ عدد آن مقاله بوده است.

بیشترین تعداد مقالات مربوط به بهداشت عمومی^۴ (۶۶ عنوان) و کمترین تعداد مربوط به مذهب و الهیات بوده است و در زیررشته‌های هنر^۵ و مطالعات کلاسیک^۶ و ارتباطات^۷ ایرانیان در این سال‌ها مقاله‌ای نداشته‌اند. به مجموع این مقالات، تعداد ۱۱۲۶ مورد استناد شده است که بیشترین آن مربوط به بهداشت عمومی (۴۸۰) و بعد از آن روان‌شناسی (۱۷۳) و اقتصاد (۱۶۹) است. کمترین تعداد استناد مربوط به رشته مذهب و الهیات است. مقالات ایرانی در این سال‌ها در رشته‌های روان‌شناسی، هنر و معماری، حقوق و تاریخ، استنادی نداشته‌اند.

بیشترین تعداد استنادها به یک مقاله از رشته اقتصاد با تعداد ۱۵۴ استناد تعلق دارد که با همکاری بانک مرکزی و دانشگاه بریستول نوشته شده است و در سال ۱۹۷۸ در مجله اکونومیتریکا^۸ شماره ۴۶ به چاپ رسیده است.

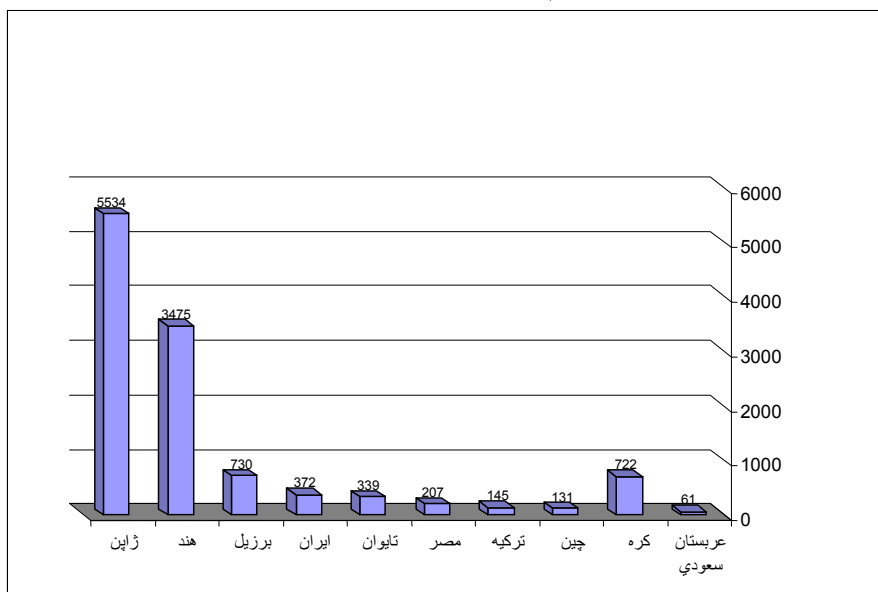
از نظر مقایسه وضعیت ایران در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ با کشورهای منطقه، وضعیت ایران (در نمودار ۱) نشان داده شده است. تعداد مقالات ایران از کشورهای عربستان، کره جنوبی، چین، ترکیه، مصر و تایوان بیشتر است و با نگاهی دقیق‌تر آشکار می‌شود که تعداد مقالات ایران بیش از پنج برابر عربستان و کره و بیش از ۲/۵ برابر چین و ترکیه و بیش از ۱/۵ برابر مصر و اندکی بیشتر از تایوان است. ولی در این سال‌ها تعداد مقالات ایرانی از مقالات کشورهای برزیل، هند و ژاپن کمتر بوده است.

۱. در این گزارش از آخرین آمارهای موجود پس از استعلام از مراجع ذیصلاح برای ارزیابی استفاده شده است.

2. ISI
3. National Science Indicator
4. Public Health
5. Performing Art
6. Classical Studies
7. Communication
8. Econometrica



نمودار ۱. تعداد مقالات علوم انسانی کشورهای مختلف از سال ۱۳۷۵-۱۳۸۰



مأخذ: منتظر، غلامعلی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، ۱۳۸۷.

وضعیت علمی رشته‌های علوم انسانی ایران در سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۱

براساس داده پایه شاخص ملی علم^۱ از سال ۱۹۸۱-۲۰۰۱ ایرانیان تعداد ۱۸۵ مقاله در رشته‌های علوم انسانی، هنر و علوم اجتماعی در مجلات ISI به چاپ رسانده‌اند. از این تعداد بیشترین مقاله مربوط به رشته روان‌شناسی (با تعداد ۵۵) و کمترین تعداد مقالات مربوط به رشته‌های باستان‌شناسی، مذهب و الهیات و کار اجتماعی (هر کدام دو مقاله) بوده است و در رشته‌های هنر نمایشی، قانون، ارتباطات و مطالعات کلاسیک مقاله‌ای چاپ نشده است. تعداد مقاله‌های رشته‌های مختلف علوم انسانی ایران از سال ۱۹۸۱-۲۰۰۱ (در نمودار ۲) نشان داده شده است و از آنجا که کل تعداد مقالات ایران طی این سال‌ها ۸۲۵۳ عدد بوده است، مقالات علوم انسانی تنها ۲/۲۴ درصد انتشارات علمی ایران در خارج را تشکیل داده‌اند. در حالی که در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۸۰ این میزان ۱۸/۲۷ درصد بوده است.

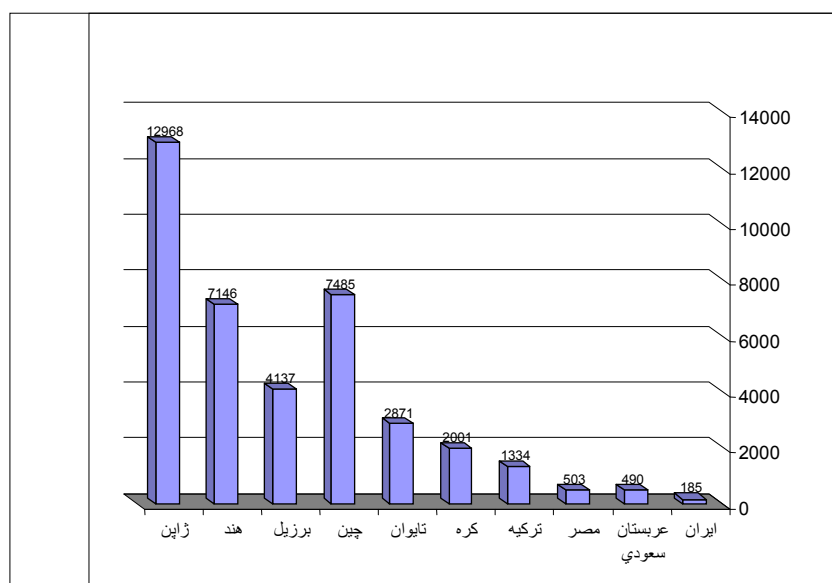
تحلیل استنادی

مجموع ۱۸۵ مقاله ایرانی طی سال‌های ۱۹۸۱-۲۰۰۱ توانستند ۸۷ استناد را به خود اختصاص دهند. وضعیت استنادی مقالات رشته‌های مختلف طی این سال‌ها (در نمودار ۲) نشان داده شده است.

1. National Science Indicator



نمودار ۲. تعداد مقالات علوم انسانی و چند کشور هم‌تراز
ایران از سال ۱۹۷۵-۲۰۰۲

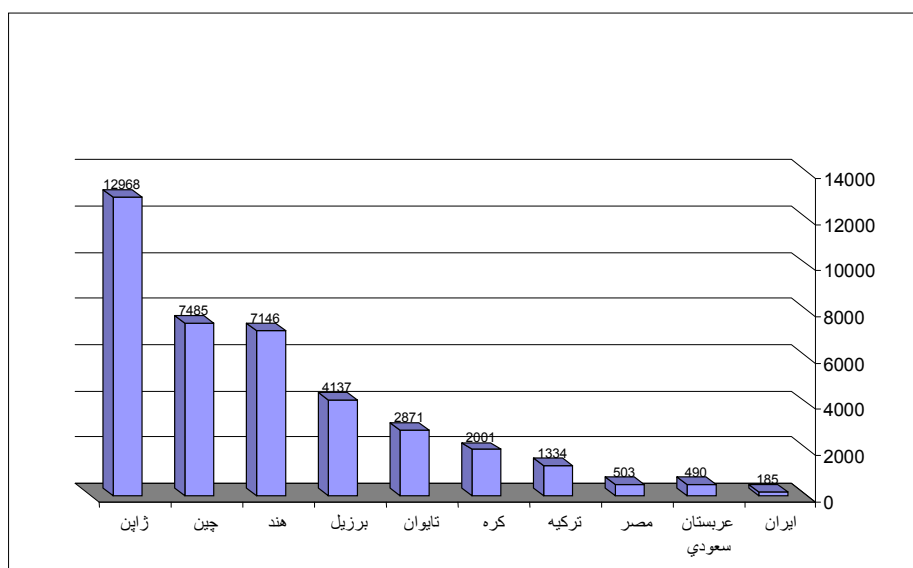


مأخذ: همان

بیشترین استنادها مربوط به رشته روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی است که البته این سه رشته همچنان که گفتیم دارای بیشترین مقالات نیز بوده‌اند. در رشته‌های باستان‌شناسی، مذهب، الهیات و اجتماعی مقالات محدود ایرانیان طی این دوره ۲۱ ساله استنادی نداشته‌اند در حالی که در سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۸۰ ایران از نظر تعداد مقالات از کشورهای عربستان، کره جنوبی، چین، ترکیه، مصر و تایوان در رتبه بالاتری قرار داشته است، در سال‌های اخیر تمام این کشورها از ایران سبقت گرفته‌اند و فاصله بین این کشورها و ایران به نظر دست‌نیافتنی می‌نماید.



نمودار ۳. مقایسه تعداد مقالات علوم انسانی ایران با تعدادی از کشورها
از سال ۱۹۸۱-۲۰۰۱ (برحسب تقسیم‌بندی ۱۰۵ رشته‌ای ISI)



مأخذ: همان

در چنین شرایطی است که مسئولان آموزش عالی کشور نیز بحران تولید علم - که اکنون مطرح شده - را تأیید کرده و این هشدار بزرگ را جدی گرفته‌اند. به نظر برخی از کارشناسان و مسئولین متولی امر آموزش در کشور، انتخاب دانشگاه معتبر براساس سنجش معیار نشر یک مقاله در سال برای هر عضو هیئت علمی در مجلات علمی بین‌المللی است. براساس این معیار، ایران دارای ۳۰ هزار عضو هیئت علمی است. بنابراین در صورتی که ۲۰۰۰۰ مقاله به نام ایران و از دانشگاه‌های ایرانی در «مؤسسه اطلاعات علمی» (ISI) فهرست شود، ایران از نظر تولید علم در نقطه مطلوبی قرار می‌گیرد و دانشگاه‌های کشور جزء دانشگاه‌های معتبر جهان شناخته می‌شوند. اما فاصله ایران با آن نقطه، زیاد است، زیرا در بهترین سال (۲۰۰۳) تنها نزدیک به ۳۰۰۰ مقاله چاپ شده است. تنها ده درصد اعضای هیئت علمی کشور مقاله در مجلات علمی بین‌المللی منتشر کرده‌اند. حتی دانشگاه صنعتی شریف که پیشرو و مولدترین دانشگاه کشور در علوم مهندسی و پایه است، تنها ۲۰۰ مقاله به نام خود ثبت کرده است و هنوز به اندازه تعداد استادانش مقاله منتشر شده، ندارد. «وضع در زمینه علوم انسانی براساس معیار مذکور بسیار وخیم و بحرانی است؛ زیرا ۹۸ درصد مقالات ایرانی در زمینه رشته‌های غیر علوم انسانی و اجتماعی بوده است. بنابراین در حوزه علوم انسانی در زمره عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان هستیم. درحالی که پیش از انقلاب این روند حالتی معکوس داشته است و ما یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای منطقه، در وضعیت

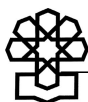


مطلوب‌تری در مقایسه با کشورهای نظیر چین، مصر و ترکیه قرار داشتیم^۱. این نکته که حتی نسبت به ۲۵ سال قبل نیز عقب‌تر رفته‌ایم، در گزارش «هسته علم‌سنجی» و «مرکز تحقیقات سیاست علمی» کشور، درباره میزان تولیدات علمی ایران نشان داده شده است. در این گزارش آمده است که در رشته‌های علوم انسانی نسبت به بیست‌وپنج سال پیش و همچنین نسبت به کشورهای عربستان، تایوان، ترکیه، مصر و کره جنوبی با روند کاهشی مواجه بوده‌ایم. داده‌های «مؤسسه اطلاعات علمی» نیز نشان می‌دهد که طی دوره پنج‌ساله ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۱ ایران ۳۷۲ مقاله در مجلات بین‌المللی علوم انسانی منتشر کرده است. این رقم معادل ۱۸ درصد تولیدات علمی ایران در آن زمان بوده است. اما کل تولیدات علمی کشور - در زمینه علوم انسانی - براساس شاخص فوق در دوره بیست‌ساله ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۱ تنها ۱۸۵ مقاله بوده است. این میزان معادل ۲/۲۴ درصد تولیدات علمی کشور در این دوره است. بنابراین تولیدات علوم انسانی کشور در بیست سال اخیر برابر نصف تولیدات دوره پنج‌ساله قبل از ۱۹۸۱ گزارش شده است.

تعداد دانشجویان علوم انسانی

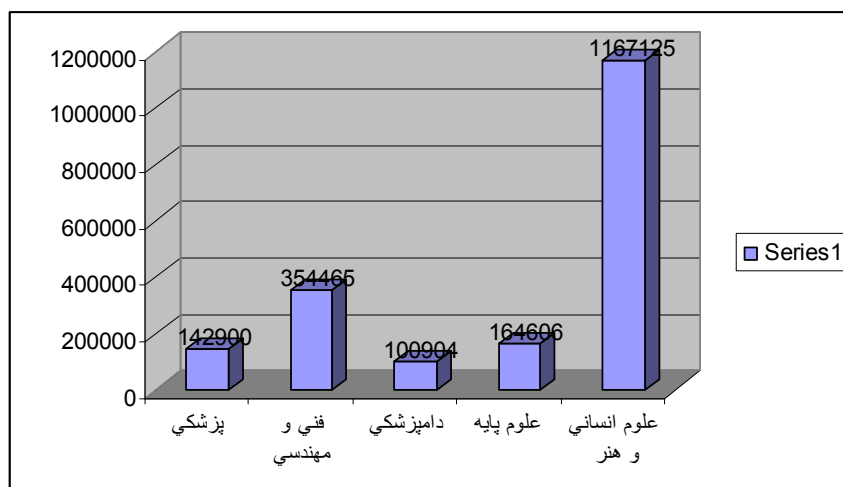
ایران در زمینه جذب دانشجویان در علوم انسانی رشد چشمگیر داشته است، چنان‌که در سال ۱۳۸۰، تعداد ۸۱۴,۱۲۵ نفر (یعنی ۵۱/۵ درصد) از تعداد کل دانشجویان (۱,۵۷۷,۰۰۰ نفر) به تحصیل در رشته‌های علوم انسانی و هنر اشتغال داشته‌اند. به این ترتیب، سهم دانشجویان رشته‌های علوم پایه، فنی و پزشکی که در مقایسه بین‌المللی ملاک قرار می‌گیرند، حدود ۷۶۲,۸۷۵ نفر بوده است. آمار تعداد دانشجویان آموزش عالی در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ نیز گویای حجم بالای دانشجویان علوم انسانی در کشور است.

۱. رضا منصوری، معاون پژوهشی «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری».



نمودار ۴. تعداد کل دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

به تفکیک رشته در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲



مأخذ: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، گزارش ساختار معرفتی علم در ایران، ۱۳۸۲.

به این ترتیب، شمار بالای دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و کیفیت پایین این علوم در کشور، ما را با مسئله اصلی آموزش عالی مواجه می‌سازد و آن نقش آموزش عالی در جامعه است. نقش آموزش عالی برخلاف دوره‌های آموزشی دیگر، بیدار کردن توان‌های ذهنی افراد نیست، بلکه نقش آن القای کشفیات علوم و فنون و به سخن دیگر، کشف مجدد آنهاست. در نتیجه، علی‌الاصول، کیفیت آموزش و تحقیق جزء لاینفک این نوع از فعالیت‌های آموزشی است. فرق اساسی آموزش عالی با نظام‌های آموزشی دیگر درست در همین کیفیت نهفته است. آموزش عالی بدون کیفیت، یعنی این تصور که گویا علم و فناوری اموری قابل خرید و فروش هستند.

بنابراین، قضاوت در مورد کیفیت آموزش عالی در نهایت به قضاوت در مورد تحقیقات، به‌عنوان جزء لاینفک آن، باز می‌گردد. این تحقیقات برخلاف مصادیق آن در اعصار دیگر خصلتی منفرد ندارد. این تحقیقات به‌دلیل خصلت کاربردی آن امری است که روزبروز بیشتر جمع‌ی شده است و به‌رغم جهانی بودن علم می‌تواند در قالب‌های ملی ظهور کند و ضامن استقلال علمی یک کشور باشد؛ چنان‌که کشور کوچکی چون نروژ به اعتبار آن صاحب علم است، ولی کشوری به بزرگی و پرجمعیتی ایران، همچنان فاقد علم نهادینه شده است. لذا نظام آموزش عالی در آن به نظامی تعلیماتی تبدیل شده است و گردانندگان اصلی آن به‌عنوان جامعه مدرسان ایفای نقش می‌کنند. ضامن حیات آموزش عالی، تحقیقات است که اعضای هیئت علمی را به جامعه‌ای علمی تبدیل کند؛ جامعه‌ای که می‌تواند حافظ استقلال علمی باشد.



جمع‌بندی

هدف علمی کشور ما در افق ۱۴۰۴ رسیدن به جایگاه نخست، در جنوب غرب آسیاست: «دست‌یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل».

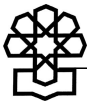
اما این چشم‌انداز با توجه به آمارهای موجود از منظر آینده‌اندیشی^۱ در زمینه علم و فناوری چندان دست‌یافتنی به نظر نمی‌رسد. چرا که برمبنای روش «تحلیل روند»، برون‌یابی داده‌های مربوط به گذشته - به فرض عدم تغییر در سیاست‌ها - نشان می‌دهد که آینده، ادامه راه گذشته است. اگر به عوامل شکل‌دهنده روند علمی و تأثیرات احتمالی آن بی‌توجه باشیم، از تحقق آینده نامطلوب، ناگزیر خواهیم بود.

طرفه آنکه یک روند مشخص می‌تواند تأثیرهای بسیار زیاد و متفاوتی بر ابعاد زندگی ما داشته باشد و فرصت‌های دفاعی، اقتصادی، تجاری، بهداشتی، آموزشی و شغلی جدید پدید آورد. فرصت‌های بسیاری را از دست می‌دهیم و تهدیدات بی‌شماری می‌آفرینیم. مگر اینکه با سیاست‌های نوین از ادامه شکل‌گیری این روند جلوگیری شود.

با چنین کیفیت نامطلوبی در آموزش عالی به‌ویژه در علوم انسانی و همچنین کمیت و حجم زیاد آن در آینده، نه تنها اهداف سند چشم‌انداز حاصل نخواهد شد، بلکه تبعات ناشی از آن نیز می‌تواند بحران‌های زیانباری برای جامعه ایجاد کند.

منابع و مآخذ

۱. آینده‌اندیشی و مطالعات فرهنگی، مجموعه مقالات دومین کارگاه آینده‌اندیشی، برگزارکنندگان: سلسله انتشارات مشترک مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ویراستاران ارشد حسین راغفر و علی پایا، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴.
۲. ملکی‌فر، عقیل. الفبای آینده‌پژوهی: تهران، کرانه علم، ۱۳۸۵.
۳. منتظر، غلامعلی، «مکتب و مکان‌دانشگاه»، (کنکاشی در جایگاه‌های علمی دانشگاه‌های برگزیده ایران و جهان)، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، ۱۳۸۷.
۴. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، گزارش بررسی الگوی انتشار مقالات علوم انسانی در مجلات ISI، ۱۳۸۲.
۵. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، گزارش: برآورد تولید علم در ایران



۱۳۸۳، ۱۴۰۰.

۶. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، گزارش ساختار معرفتی علم در ایران سال (۲۰۰۱)، ۱۳۸۲.

۷. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، گزارش رتبه‌بندی ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان، ۱۳۸۳.

۸. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، گزارش تعداد مقالات سال ۲۰۰۳ به تفکیک دانشگاه یا مؤسسه براساس رشته و میزان همکاری بین‌المللی، ۱۳۸۳.



شماره مسلسل: ۹۹۲۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی وضعیت علوم انسانی ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه فرهنگ عمومی و ارشاد و تبلیغ اسلامی)

تهیه و تدوین‌کنندگان: سینا کلهر، جهانداد معماریان

همکار: نرگس صادقی‌پور

ناظر علمی: مهدی ادیبیان

متقاضی: معاونت پژوهشی

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

ویراستار ادبی: نرگس کلاکی

واژه‌های کلیدی:

علوم انسانی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۸/۱۰